

Autumn and Winter 2024, 1 (2), 162-175.

Family in the Sassanid period

Karim Golshanirad¹ 

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of History and Archaeology, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, KHORAMABAD, IRAN. E-mail: Golshanirad.k@lu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research

Article history:

Received: 6 August 2024

Accepted: 21 October 2024

Published online: 3 February
2025

Keywords:

Economy, Family, Agriculture,
Producer,
Consumer, Tax.

ABSTRACT

With the establishment of the Sassanid dynasty in 224 AD by Ardashir Babakan, a major transformation took place in Iran. Economically, Iran achieved great development and agricultural products grew tremendously. The majority of the Silk Road was in the hands of the Sassanid kings. Since Iranian coins found in different parts of the world are a sign of the influence of Iranian merchants and traders in these regions.

The research method is descriptive-analytical and the method of collecting library materials and using reliable historical sources and references. The research question is what impact did the family have on the economy of the Sassanid period? The research hypothesis is that the family in the Sassanid period had a productive and consumer function in terms of economy. Unlike today's family, which is mostly a consumer of goods, in the period in question families were both producers and consumers of products. The majority of agricultural products, spinning and weaving industries, various professions and jobs were carried out by family members. Another impact of the family institution on the economy of the Sassanid period was the issue of self-employment, i.e. children doing the father's job. When the children reached adulthood, they were taken to the workshop by their father and thus continued the profession of their ancestors. The issue of self-employment caused jobs to continue within a family for centuries and led to the specialization of jobs. In this way, families contributed to the development of the Sassanid economy by producing various products. In addition, huge amounts of money were paid annually to the Sassanid government in the form of taxes and tributes per capita by family members, which resulted in the accumulation of the state treasury and the prosperity of society.

Cite this article: Golshanirad, Karim, Initial. (2024). Family in the Sassanid Period. *New Researches in the Studies of the History of Islam and Iran*, 1 (2), 162-175.



© The Author(s).

Publisher: Lorestan University.

DOI: <http://doi.org/10.22034/nrihs.2025.2047951.1022>

سال اول، شماره اول (پیاپی ۲)، پاییز و زمستان ۱۴۰۳، ۱۶۲-۱۷۵.

خانواده در دوره ساسانی

کریم گلشنی‌راد^۱

۱. استادیار گروه آموزشی تاریخ و باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. رایانامه: Golshanirad.k@lu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶</p> <p>پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۷/۳۰</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵</p> <p>کلیدواژه‌ها: اقتصاد، خانواده، کشاورزی، تولیدکننده، مصرف‌کننده، مالیات.</p>	<p>با تأسیس دولت ساسانی در سال ۲۲۴ میلادی توسط اردشیر بابکان، تحول عمده‌ای در کشور ایران به وجود آمد. از نظر اقتصادی، ایران به توسعه زیادی رسید و محصولات کشاورزی رشد فوق‌العاده یافت. بخش عمده جاده ابریشم در دست شاهان ساسانی بود؛ آنجا که سکه‌های ایرانی که در نقاط مختلف جهان پیدا شده اند نشانه نفوذ بازرگانان و تجار ایرانی در این مناطق می‌باشد.</p> <p>روش پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری مطالب کتابخانه‌ای و استفاده از منابع و مآخذ معتبر تاریخی می‌باشد. سوال پژوهش این است که خانواده چه تاثیری بر اقتصاد دوره ساسانی گذاشته است؟ فرضیه پژوهش این است که خانواده در دوره ساسانی از نظر اقتصادی دارای کارکرد تولیدی و مصرفی بود. برعکس خانواده امروزی که بیشتر مصرف‌کننده کالا می‌باشد، در دوره مورد نظر خانواده‌ها هم تولیدکننده و هم مصرف‌کننده محصولات بودند. بخش عمده محصولات کشاورزی، صنایع ریسندگی و بافندگی، پیشه‌ها و مشاغل گوناگون توسط اعضای خانواده انجام می‌گرفت. از دیگر تأثیر نهاد خانواده بر اقتصاد دوره ساسانی مسئله خویشکامی یعنی انجام شغل پدر توسط فرزندان بوده است. هنگامی که فرزندان به سن رشد می‌رسیدند توسط پدر به کارگاه برده شده و به این ترتیب حرفه نیاکان خود را ادامه می‌دادند. مسئله خویشکامی باعث می‌شد مشاغل در طول قرن‌ها در میان یک خانواده ادامه یابد و به تخصصی شدن مشاغل بینجامد. بدین صورت خانواده‌ها با تولید محصولات گوناگون به پیشرفت اقتصاد دوره ساسانی کمک می‌نمودند. علاوه بر این سالیانه مبالغ هنگفتی به صورت مالیات و باج سرانه توسط اعضای خانواده‌ها به دولت ساسانی پرداخت می‌شد که نتیجه آن انباشت خزانه دولت و رونق جامعه بود.</p>

استناد: گلشنی‌راد، کریم (۱۴۰۳). خانواده در دوره ساسانی. پژوهش‌های نوین در مطالعات تاریخ اسلام و ایران، سال اول، شماره ۱ (۲)، ۱۶۲-۱۷۵.



© نویسنده‌گان.

ناشر: دانشگاه لرستان.

DOI: <http://doi.org/10.22034/nrihs.2025.2047951.1022>

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه نهاد خانواده می‌باشد. اگر بخواهیم فرهنگ جامعه‌ای را بشناسیم، بهتر است ابتدا به سراغ نهاد خانواده برویم. با شناخت نهاد خانواده می‌توان فرهنگ آن جامعه را بهتر درک کرد. خانواده در دوره ساسانی دارای اهمیت زیادی بود. قوانین محکم ساختار خانواده را مشخص نموده و کلیه اعضای خانواده موظف بودند از این قوانین پیروی نمایند. نهاد خانواده دوره ساسانی از نظر اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و اقتصادی تأثیر فراوانی بر جامعه گذاشت؛ به ویژه از نظر اقتصادی باعث رونق و شکوفایی اقتصاد دوره مورد نظر گردید. با مطالعه متون زرتشتی و حقوقی مربوط به دوره ساسانی می‌توان به این نتیجه رسید که نهاد خانواده در آیین زرتشتی و نزد فقها و حقوقدانان آن زمان دارای ارزش و اهمیت بسیار بالایی بوده است. در اوستا هر کجا که سخن از کشور یا جهان می‌شود، بحث درباره شهر، روستا و خانواده نیز فراموش نشده است. حتی در نمازهای زرتشتی در نماز سپیده دم، بزرگ خانواده، در نماز بامداد، بزرگ ده در نماز پیشین، بزرگ شهر، در نماز پسین، پادشاه کشور در نماز شام آن افرادی که همچون زرتشت در اندیشه نیکی جهانیان‌اند، ستایش می‌شوند. بنابراین بزرگ خانواده نیکوکار می‌دانست که به هنگام نماز سپیده دم همه ایرانیان از شاه تا رعیت وی را برای نیکوکاری اش می‌ستایند (جنیدی، ۱۳۷۸: ۷۲). تصویری که اوستا از یک خانواده بزرگ و انبوه ترسیم می‌کند چنین است: «خانه های سترگ از زنان پر کوش و برازنده برخوردار است، از گردونه‌های برازنده برخوردار است» (اوستا، ۱۳۸۵: مهریشت، قطعه ۳۰). از نظر اوستا نهاد خانواده چنان اهمیتی داشت که «آتر» یا آتش، ایزدی بود مربوط به کانون خانواده و زندگی خانوادگی که آن را از خطر محفوظ می‌داشت و باعث می‌شد پسران از طریق فن بلاغت در

مناظرات در جماعت شرکت جویند و نام خانواده خود را حفظ کنند (گرشویچ، ۱۳۸۵: ۵۵۱). خانواده در دوره ساسانی هم تولیدکننده و هم مصرف‌کننده بود. تمامی اعضای خانواده از کودکی تا بزرگسالی با انجام کار و فعالیت در اقتصاد خانواده سهمیم بودند و در کارگاه‌ها، مزارع کشاورزی و دامپروری مشغول به کار بودند. بنابراین خانواده علاوه بر اینکه مشاغل نیاکان خود را حفظ و نگهداری می‌کرد به صورت مداوم به حکومت ساسانی مالیات و خراج می‌پرداخت. بدین ترتیب خزانه سلطنتی شاه ساسانی انباشته از ثروت می‌شد.

۲. اقتصاد دوره ساسانی

اقتصاد ساسانی مبتنی بر کشاورزی بود. این عهد که پایان تاریخ ایران باستان می‌باشد، به یاری اداره دولتی و تلاش و کوشش ملت‌های مختلف در امور فرهنگی و سیاسی موفقیت‌هایی به دست آورد که آثار آن تا روزگار ما باقی مانده است.

دوره ساسانی از نظر ازدیاد مداخل و توزیع محصولات و مصنوعات، مهم‌تر از ادوار سابق است (هرتسفلد، ۱۳۵۴: ۵۵). در شهرها، استعمال سکه وسعت یافت و تعداد فراوانی از درهم‌های سیمین ساسانی در ایران یا در ممالک مجاور یافته شده است. در مناطق روستایی، غالباً مزد زارعان، سربازان، کارگزاران و حتی مالیات هم جنسی پرداخت می‌شده و این سنت در بعضی نواحی تا عهد ما هم ادامه یافته است. اما تجارت خارجی کاملاً بر پایه اقتصاد مبتنی بر مسکوکات مستقر بوده است. تجارت خارجی به طور محسوسی نسبت به قرون گذشته افزایش یافته است؛ به ویژه امتعه گران‌بها و مصنوعات تجملی که مورد استفاده دربار شاهنشاهی و طبقه ثروتمند بوده است. هرگز در ادوار سابق، تجارت مانند این دوره تحت نظارت جدی قرار نگرفته بود. این امر دولت را مجبور کرد تا برای وسایل حمل‌ونقل در

جاده‌ها، کاروانسرا و آب انبار بسازد. به همین دلایل تولید محصول توسعه یافت؛ به نحوی که در منسوجات ابریشمی و صنعت شیشه‌سازی تخصص کامل به دست آورده شد. دولت با انحصار خویش، تولیدکننده به شمار می‌آمد (گیریشمن، ۱۳۷۲: ۴۰۷).

از صنعت باید به عنوان شکل مهم دیگری از اقتصاد نام برد. متون منابع پهلوی، سریانی و عربی اطلاعات نسبتاً خوبی نسبت به مشاغل صنعتی ارائه می‌دهد. جالب توجه است که برخی مشاغل بسیار تخصصی بودند. به عنوان مثال طلاسازي و نقره‌سازي دو تخصص مختلف بودند. برخلاف دوره اشکانی، تنوع بزرگ صنایع قابل تشخیص است. این موضوع به وسیله اسیران رومی که در جنگ‌های پیروزمندانه شاپور اول و دوم به کشور آمده بودند توجیه می‌شود (شیپ مان، ۱۳۸۳: ۱۱۳). تجارت خشکی در مسیرهای کاروان‌رو صورت می‌گرفت. شاهراه بزرگ از تیسفون در کنار دجله شروع می‌شد و از حلوان و کنگاور به همدان می‌رسید. در همدان راه‌های مختلف منشعب می‌شد؛ یکی به سمت جنوب از خوزستان به خلیج فارس می‌پیوست، راه دیگر به ری می‌رفت و از آنجا مسیرهایی از کوه‌های گیلان و البرز به دریای خزر منتهی می‌شد، یا از راه خراسان و دره کابل به هندوستان اتصال می‌یافت. راهی هم از ترکستان و حوزه تاریخ به چین می‌پیوست (کریستن سن، ۱۳۸۲: ۱۸۹).

ساسانیان در امور بازرگانی تا سریلانکا با امپراطوری روم شرقی (بیزانس) رقابت و کشمکش داشتند. چنین به نظر می‌رسد یک مهاجرنشین ایرانی در مالزی هنگام رسیدن اسب‌های ایرانی با کشتی به سیلان در آنجا سکونت داشته است. ساسانیان در منطقه سند نیز حضور داشتند. نشانه نفوذ آن‌ها در قرن پنجم میلادی از سکه‌هایی که اخیراً یافت شده، قابل تشخیص است. همچنین در دریای عمان، ظاهراً یک قلعه ساسانی وجود داشته که احتمالاً به منظور فعالیت

های بازرگانی ساخته شده است. همین نکته در دما و جورفار صدق می‌کند. یک پست دیده‌بانی در غنم تنگه هرمز مستقر بوده که بر امر کشتیرانی نظارت می‌کرده است. همین نکته را در مورد بنبهور در سند (پاکستان کنونی)، در لیکوه در ساحل شرقی آفریقا می‌توان یافت. در آنجا تعدادی اجناس فروشی ساسان - اسلامی پیدا شده است. حضور ایرانیان در این بندرها نمایانگر لشکرکشی به این مناطق برای نظارت بر کشتیرانی در نزدیکی این پست‌های دیده‌بانی است (دریایی، ۱۳۸۶: ۱۰۳). بنیان‌گذاری شهرهای جدید یا رشد جمعیت در آن‌ها و ایجاد صنایع جدید مرتبط با آن منجر به شکوفایی صنعت شده بود. دادوستد بین‌المللی مثل دوره اشکانی از راه‌های مختلف جاده ابریشم در جریان بود. یکی از مهم‌ترین محل‌های رفت‌وآمد برای دادوستد با بیزانس، شهر نصیبین در کنار دجله بود که در قرارداد صلح سال ۲۹۷ یا ۲۹۸ م توسط دیوکلسین به عنوان نقطه‌ای که باید امرپاتوری روم شرقی و شاهنشاهی ساسانی با یکدیگر ملاقات کنند، تعیین شده بود. بعدها محل‌های دیگری هم به عنوان ایستگاه‌های ترانزیتی معرفی شدند که می‌توان به کالینکون یا رقه در ساحل چپ فرات یا آرتاکساتادر مرکز ساحل ارس اشاره کرد (شیپ‌مان، ۱۳۸۳: ۱۱۵).

۳. اقتصاد خانواده

هر ملک خانوادگی متشکل از پول، تزئینات، البسه و وسایل خانه‌داری و همچنین شتر، اسب، الاغ، گاو و گوسفند بود که از یک خانه اربابی و چند خانه روستایی تشکیل می‌شد. رئیس خانواده در خانه یا حیاط اربابی با سایر اعضا زندگی می‌کرد. تمام اعضای یک خانواده که می‌توانست متشکل از چند خانوار باشد به استثنای دخترانی که به خانه شوهر رفته بودند، تحت سرپرستی رئیس خانواده یا «کتک ختای» حداقل تا زمان تقسیم ارث با یکدیگر به سر می‌برند (بارتلمه، ۱۳۷۷: ۱۷). پدر، مادر و فرزندان مسئولیت‌های

تقسیم دقیقاً برابر بود با تمایزی که در قانون یونان میان مالی که از نیاکان به ارث رسیده بود و مالی که اندوخته خود شخص بود گذاشته می‌شد. هر مالی که حق به آن مبتنی بر قرارداد بود و شرایط قرارداد آن را محدود می‌ساخت، بیرون از این تقسیم بندی بود. چنان که وقف‌هایی که برای مقاصد خاص تخصیص یافته بودند در این تقسیم‌بندی نمی‌گنجدند. مازاد درآمد هر مالی می‌توانست در زمره مالی قرار گیرد که اندوخته شخصی به شمار می‌آمد.

گروه ابرماند، سهم رئیس خانواده از میراثی که پدرش به جا گذاشته بود، یعنی سهم پسری «بهری پوسی» او را در بر می‌گرفت. همچنین این گروه دارایی، سهمی را که همسر رئیس خانواده سهم دختر «بهری دختی» او از خانه پدر به خانه شوهر آورده بود و اگر مادر رئیس خانواده زنده بود «سهم بیوگی» یا «بهری کتک بانوکی» او از شوهر درگذشته اش و نیز سهم خواهران شوی ناکرده را نیز در خود داشت. «اصل» یا «بن» این دارایی قابل انتقال و واگذاری نبود، بلکه دارایی مشترک اعضای خانواده محسوب می‌شد و می‌بایست به جانشینان رئیس خانواده انتقال یابد. جانشین حق داشت تنها درآمد و افزوده آنچه به او رسیده و البته چیزهای مصرف‌شدنی را آزادانه به دیگری واگذارد. زنان اگر شریک مال شوهر یا برادر خود بودند، یا اگر حق واگذاری موافقت شوهر یا برادر را به دست آورده بودند، می‌توانستند درآمد خود را به دیگری واگذارند. تردیدی نمی‌توان کرد که رئیس خانواده حق داشت این دارایی را هر جا که بخواهد سرمایه گذاری کند و بر میزانش بیفزاید. او حق داشت حتی از آن بهره‌برداری کند (تشکری، ۱۳۵۴: ۴۶).

دارایی ابرماند، دارایی خانواده بود و در اصل به نسل‌های گذشته و اکنون و آینده خانواده تعلق داشت. هر نسل زنده در حکم نگهبانی بود که وظیفه داشت آنچه را که به ارث برده به خوبی نگهداری کند و آن را به نسل آینده خانواده بسپارد.

مشترک داشتند. پدر ناگزیر بود دارایی خود را در وهله اول برای رفع نیازهای خانواده به کار برد. او نمی‌توانست نیازمندی‌های زن و فرزند را نادیده بگیرد و دارایی خود را ببخشد یا به مصرف خیریه برساند. اگر هم بدین کار تن در می‌داد، قانون مداخله می‌کرد و مرد را از اینکار باز می‌داشت. احترام خانواده به اندازه‌ای بود که اگر مرد دارایی خود را برخلاف مصلحت خانواده بخشیده بود، قانون آن بخشش را باطل می‌شمرد (احمدی، ۱۳۶۵: ۱۴). مجموع دارایی‌ها از منقول و غیرمنقول که در اختیار خانواده بود، شماری از اشیاء را تشکیل می‌داد که قواعد حقوقی جداگانه‌ای داشت. در ایران باستان این دارایی‌ها از عناصر زیر تشکیل می‌شد:

- ۱- اموالی که در مالکیت خانواده‌ای بود که رئیس خانواده آن را بر طبق حق جانشینی به ارث گذاشته بود.
 - ۲- دارایی شخصی رئیس خانواده و اعضای خانواده.
 - ۳- اموالی که به موجب حق برخاسته از پیمان‌های شخصی (اجاره و مانند آن) در دست رئیس خانواده یا اعضای خانواده است و اموالی که در تصرف مشروط ایشان است «اموالی که در برابر خدمت به آنان داده شده، مانند زمینی که در ازای خدمت در سواره نظام به اسواران می‌دادند».
 - ۴- مازاد درآمد وقف خصوصی برای مقصودی خاص که واقف آن رئیس خانواده یا جانشینان او بوده‌اند.
 - ۵- سهم زن از میراث پدر که همراه جهیز از خانه پدر به خانه شوهر آورده است.
 - ۶- دارایی استور (dadestanidenig; 1882; 28).
- تمام ثروتی که در دست خانواده بود به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱- آپرماند پیران یا میراثی که از نیاکان رسید.

۲- هندوخت خویشیا اندوخته خویش.

این تمایز میان ابرماند و هندوخت در آنجا که به حق واگذاری ارتباط می‌یافت اهمیت فراوان داشته است. این

رئیس خانواده هر اندازه از درآمدی را که پس از پرداخت مالیات و هزینه‌های ضروری اعم از نگهداری خانواده و هزینه‌های تولیدی باقی می‌ماند می‌توانست آن را مانند دارایی خود اندوخته به دیگری واگذار. دارایی ابرماند مانند دارایی شخصی به صورت یک چیز با ارزش، مانند یک پارچه زمین، خانه، برده و پول درآید. اما این دارایی در شمار دارایی شخصی بود و کسی که مالک آن بود می‌توانست آن را به دلخواه خود به دیگری واگذار کند و در معرض هر گونه فروش قرار دهد. وقف‌هایی که برای مقاصد انجام می‌گرفت از این مال بوده و مردی که چندین فرزند داشت، برای دارایی شخصی خود جانشینی جداگانه «استوری کرتک» بر می‌گزید.

رئیس خانواده هنگامی که زنده بود سهم‌هایی از دارایی شخصی خود را به صورت قانونی به فرزندان انتقال می‌داد. بعدها که فرزندان از دارایی پدر ارث می‌بردند، این مال‌های انتقالی بر سهم آن‌ها از ارث افزوده می‌شد. هر گاه مالک بی‌آنکه دارایی شخصی خود را به دیگری واگذار کند می‌مرد، این دارایی به میراث او می‌پیوست و به صورت دارایی «ابرماند» یعنی دارایی خانوادگی که قابل انتقال به دیگری نبود، به جانشینان او می‌رسید در واقع این قانون عمدتاً درباره اموال غیر منقول، ابزارهای کشت و کار و مانند آن‌ها به کار بسته می‌شد نه چیزهای از میان رفتنی چون پارچه، ظرف‌های کوچک و نظایر آن (یارشاطر، ۱۳۷۷: ۵۴). موارد متعددی در کتاب ماتیکان هزار داتستان دیده می‌شود که دولت از خانواده حمایت کرده است. طبق قانون اگر کسی مرتکب جرائم سنگین مانند شورش علیه حکومت، راهزنی، ارتداد و خروج از دین زرتشتی می‌شد، دولت اموال او را مصادره می‌نمود، ولی به خاطر اینکه به سایر اعضای خانواده صدمه‌ای وارد نشود، به زن و فرزند او اگر درآمد کافی نداشتند کمک مادی می‌نمود (عباس مهرین، ۱۳۴۹: ۱۱۲).

اگر کسی مدعی بود که خانواده‌ای بدهکار وی می‌باشند، در صورتی که دارایی و درآمد آن خانواده کم و ناچیز بود، قانون به راحتی به نفع شاکي رأی نمی‌داد، بلکه وی در دادگاه می‌بایست صراحتاً و با اطمینان اتهام خود را اعلام کرده و آن را اثبات نماید. در غیر این صورت مالکیت آن اموال از خانواده گرفته نمی‌شد. در صورتی که رئیس خانواده املاک و دارایی‌های شخصی خود را به سایر اعضای خانواده می‌بخشید، ولی بردگان متعلق به خانواده را آزاد می‌نمود هیچ فردی نمی‌توانست حق آزادی را از بردگان بگیرد و آن‌ها را از رعیت آزاد شاهنشاه خارج نماید. اگر پدر خانواده قبل از اینکه ازدواج کرده و صاحب زن و فرزند می‌شد، دارای بدهی بود، دختر، همسر و فرزندان کوچک وی در قبال این بدهی هیچ گونه تعهدی نداشتند، حتی اگر این همسر و فرزندان صاحب اموالی باشند که پدر خانواده قبلاً به آن‌ها داده باشد (عباس مهرین، ۱۳۴۹: ۹۵). اگر یکی از اعضای خانواده با اجازه کدبانو و سرپرست خانواده از کسی وامی دریافت می‌کرد، این وام می‌بایست از طریق اموال خانواده پرداخت گردد و کدبانو و سرپرست خانواده حق نداشتند با بازپرداخت این وام مخالفت کنند. اگر وی تولیت و سرپرستی معبد موقوفه خود را به دست پسر ارشد خود می‌سپرد، در صورت فوت پدر، تولیت معبد به پسر ارشد می‌رسید؛ ولی اگر پسر ارشد نیز می‌مرد، تولیت به پسر بعدی می‌رسید (گفتاری درباره ماتیکان هزار داتستان، ۱۳۸۶: ۱۱۷). اگر کسی منافع ملکی را برای مدت چند سال به شخص دیگری بدین شرط می‌داد که آن شخص با دختر او ازدواج نماید، در صورت امتناع آن شخص از ازدواج، وی حق استفاده از منافع ملک را نداشت. رئیس خانواده فقط می‌توانست دارایی شخصی خود را به دیگران به دلخواه ببخشد ولی نمی‌توانست مال مشترک خانواده را هبه کند (dinkard'1897'book of8).

پدر خانواده موظف بود از همسر و همسران خود تا روزی که زنده‌اند، از پسران تا زمانی که به سن بلوغ برسند و از دختر تا زمان ازدواج نگهداری و مراقبت نماید. در کتاب ماتیکان بیان شده است:

پادشاه زن که دارای رفتار خوب و شایسته باشد، باید سال به سال به خرج شوهر نگهداری و حمایت شود و شوهر ممکن نیست به همسرش بگوید: من برای حمایت او سرمایه نمی‌دهم. آن مرد موظف است به همسرش همه چیز بدهد به جز زمین و خانه. در مورد بردگان، بیش از دو برده نمی‌تواند به همسرش بدهد. پسری که به سن بلوغ می‌رسید، هرگاه به عیالی از کسب معیشت عاجز و ناتوان بود، نگهداری وی به عهده پدر بود. نفقه اطفال بیوه زن در صورت ازدواج مجدد بر عهده خانواده پدر متوفی آن‌ها بود و پدر خوانده یا شوهر مادر آن‌ها در این زمینه مسئولیتی به‌گرددن نداشتند (dinkard'1897'book of8).

هرگاه کسی مالی را به کودکی می‌بخشید، در صورتی که سرپرست نوزاد از قبول آن مال خودداری می‌نمود، آن مال و هبه متعلق به طفل بود و نوزاد تا رسیدن به سن بلوغ نمی‌توانست آن را به دیگری منتقل نماید. در صورتی که نوزاد می‌مرد، تمامی اموالی که متعلق به وی بودند، به خانواده پدری وی می‌رسید (گفتاری درباره ماتیکان هزار داتستان، ۱۳۸۶: ۸۱). اگر کسی غیر از پدر و مادر کودک را بزرگ نموده و پرورش می‌داد، تمامی اموال کودک به وی می‌رسید، زیرا بر اساس کتاب مادگان هزار داتستان:

اموال بچه به پرورش دهنده وی تعلق دارد. بدهی‌ها و دیون خانواده می‌بایست توسط سردار و سرپرست خانواده پرداخت گردد. هرگاه سرپرستی و ریاست خانواده به عهده پسر خانواده بود، کدبانو نمی‌توانست در اداره امور خانواده دخالت کند. در صورتی که سردار خانواده کدبانو یا شخص دیگری بود، هنگامی که پسران به سن بلوغ می‌رسیدند، می‌توانستند از سردار یا کدبانو نسبت به حیف و میل اموال خانواده خود در مدت تصدی‌شان شکایت کنند. در صورتی که سردار خانواده بدون جهت مشروع از نظر مالی آسیبی به خانواده وارد می‌نمود، وظیفه کدبانو بود که

به محکمه شکایت کند (گفتاری درباره ماتیکان هزار داتستان، ۱۳۸۶: ۷۷).

موارد متعدد قانونی در کتاب ماتیکان هزار داتستان مشاهده می‌گردد که قانون مانع سوء استفاده کلیه اعضای خانواده از اموال خانواده می‌شود. هرگاه مردی با رضایت زن خود مقداری از مال خود را به دیگری می‌بخشید، در صورتی که آن مال برای رفع حوائج ضروری خانواده آن مرد لازم بود، آن بخشش فاقد اعتبار و چنین مالی مجدداً به خانواده بر می‌گشت، حتی اگر به موجب وصیت هم باشد. حتی از نظر برخی حقوقدانان دوره ساسانی، پدر خانواده حق نداشت مالی را که مورد نیاز خود و خانواده اوست وقف معابد و کار خیر نماید. قاضی می‌توانست هر یک از طرفین دعوی را که دلایل و مدارک کمتری داشتند، موظف به انجام ور نماید. در صورتی که یکی از طرفین دعوی برای اثبات حق مالکیت خود حاضر به انجام ور می‌شد، مالکیت وی ثابت می‌شد. ممکن بود شخص ثالثی برای اثبات حق مالکیت مالک اصلی، حاضر به انجام ور شود، در این صورت مالکیت کسی که آن شخص ثالث مدعی بود، محرز می‌شد. هرگاه شخصی در محکمه از خانواده‌ای مطالبه دین خود می‌کرد، حضور کدبانو و سردار خانواده در محکمه لازم بود. کدبانو و کدخدا باید وجهی را به عنوان ضمانت از مال خانواده به محکمه می‌سپردند. ولی هرگاه مدعی، دین خود را از کدبانو و سردار خانواده مشترکاً یا منفرداً مطالبه می‌نمود، آن دو نباید وجه الضمان را از مال خانواده به محکمه بسپارند. به عقیده زروانداد پرداخت چنین وجهی از مال خانواده ابداً صلاح نیست (گفتاری درباره ماتیکان هزار داتستان، ۱۳۸۶: ۷۸).

۴. تأثیر اقتصاد خانواده در دوره ساسانی

در خانواده گسترده، اقتدار پدر ناشی از مالکیت و مدیریت او در تولید بود. مرد نه تنها مالک وسایل تولید بود، بلکه تصمیم‌گیرنده در چگونگی تولید و تقسیم وظایف اعضا نیز

بود. برعکس نهاد خانواده در دوران معاصر که فقط کارکرد مصرفی دارد، در دوره مورد نظر، نهاد خانواده دارای کارکرد تولیدی و مصرفی بود. بسیاری از تولیدات جامعه توسط اعضای این نهاد انجام می‌گرفت. در این زمان مهم‌ترین بخش اقتصاد کشور را کشاورزی تشکیل می‌داد. ایران به بخش‌های روستایی بسیار متعدد تقسیم شده بود. بیشتر مالیات‌ها از کشاورزان به دست می‌آمد. در دوره خسرو دوم، مالیات‌های روستایی چند برابر مالیات‌های شهری بود. در این دوره یکی از مهم‌ترین مناطق برای کشاورزی، در جنوب غربی قرار داشت یعنی استان خوزستان. در این استان رودهای پرآب و زمین حاصلخیز وجود داشت. به طوری که مهم‌ترین تولیدات غله، برنج، نیشکر و خرما در آنجا کشت می‌شدند. آیین زرتشتی کشاورزی را مقدس می‌دانست. در کتاب صد در نثر در این مورد می‌خوانیم:

اینکه برزگیری کردن مانند آن است که کسی یزش یزدان می‌کنند و حرمت برزگران بسیار باید داشت و رنج و پیکار از ایشان دور باید داشتن. چه اندر دین پیداست که هر کسی که درخت باز نشاند، تا آن درخت و دار بر جایگاه باشد، هر کسی که بر آن درخت خورد، هر کرفه که بسیری آن کند، برزبگر چنان بود که به دست خود کرده باشد. زیرا که جان مردم، بعد از آفرینش ایزد تعالی از کنش (کار و فعالیت) برزبگر برپایست، چه هر گاه که کسی چیزی نخورد، بمیرد. پس آن کس که جان مردم از کنش او بر پای بود، او را ارجمند و گرامی باید داشت (صدرنثر، ۱۹۰۹: ۸۶).

در حقیقت اکثر ملت ایران در این زمان کشاورز بودند و چون آب را مقدس می‌دانستند، همه سعی داشتند که آب مقدس هدر نرود و حداکثر استفاده را از آن بنمایند. بهترین روش برای استفاده از آب همین کشاورزی بود که سعی می‌کردند با حفر قنوات، کانال، کهریز و سد بندی، آب را از نقاط مختلف به زمین‌های کشاورزی برسانند. بنابراین مهم‌ترین وسیله تولید، زمین بود که متعلق به خانواده‌های زمین

دار و مالکین بزرگ بود. برای حفظ نفع خود و دفاع از حکومت، به ایجاد شیوه‌های تولید بیشتر می‌پرداختند. در حقیقت می‌توان این نظام را شیوه تازه تولید اقتصادی، سیاسی و حتی مذهبی به حساب آورد. تعلیمات زرتشت باعث شده بود که کشاورزان با میل و رغبت بیشتری برای مالک کار کنند و چون طبق قوانین دوره ساسانی، ارتقاء از طبقات پایین به طبقات بالاتر به سختی انجام می‌گرفت، کشاورزان پیوسته روی زمین کار می‌کردند و سطح محصولات را هر چه بیشتر بالا می‌بردند که این امر علاوه بر تأمین آذوقه مملکت، با پرداخت مالیات توسط خانواده‌های دهقان به درآمد خزانه دولت کمک شایانی می‌شد. زمین و کشت یکی از عایدات درآمد دولت ساسانی محسوب می‌شد. به این ترتیب که از محصول کشاورزان بر طبق نظمی که قانون تعیین کرده بود مالیات گرفته می‌شد. میزان آن بستگی به وسعت زمین و درآمد محصول داشت و معمولاً بین ۱/۶ تا ۱/۳ محصول را به عنوان مالیات به دولت می‌دادند. چون در آن زمان حکومت بیشتر وابسته به زمین‌داران بزرگ بود، اکثراً آن‌ها در دربار نفوذ و قدرت داشتند.

کشاورزان آخرین طبقه جامعه ساسانی محسوب می‌شدند که دارای رئیسی با عنوان «واستریوشان سالار» بودند. این شخص بر طبق وظیفه می‌بایست مالیات‌هایی گرفته و پرداخت کند. او مسئول هر گونه بی‌نظمی در امر پرداخت مالیات کشاورزان و صنعتگران بود؛ چراکه کارهای مربوط به توده مردم را او رسیدگی می‌کرد. واستریوشان سالار هم رئیس مالیات ارضی و هم رئیس همه مردمی بود که کارهای دستی انجام می‌دادند. بنابراین واستریوشان سالار هم وزیر مالیه بود و هم وزیر فلاحت، صناعت و تجارت. او صورت مالیاتی را تهیه و تنظیم می‌کرد و آن گاه به نظر شاه می‌رساند. پس از دخل و خرج، آنچه می‌ماند تحویل خزانه‌دار که «گنجور» نامیده می‌شد، می‌گردید (ابن اثیر، ۱۹۰۹: ۲۰۵).

در دوره خسرو انوشیروان، عمال شاه در سرتاسر کشور به سرشماری عمومی جمعیت می‌پرداختند. سپس کمیسیون شاهی دست به تنظیم جدول خراج و عوارض سرانه می‌زد و خراج‌ها را از نو براساس استطاعت و توانایی هر شهروند، مشخص می‌نمود. نسخه‌ای از این تعرفه‌های تازه به مرکز اسناد شاهنشاهی در تیسفون سپرده می‌شد. در صورتی که نسخه‌های دیگر به دست عمال خزانه «آمارکاران» و قضات مناطق داده می‌شد. قضات در مناطق مختلف وظیفه داشتند همه ساله بر کار «آمارکاران» و عمال وصول خزانه نظارت داشته باشند و سوء استفاده‌ها را به اطلاع دولت برسانند. خراج‌های تازه‌ای که کمیسیون شاهنشاهی تعیین کرد به شرح ذیل است:

به قرار هر گریب (هر گریب زمین دو هزار و چهارصد متر مربع است) زمین که گندم و جو در آن کشت شده باشد، یک درهم، به قرار هر گریب زمین که برنج در آن کشت شده باشد، پنج شش درهم، به قرار هر گریب زمین که درخت مو در آن کشت شده باشد، هشت درهم، هر گریب زمین که یونجه در آن کشت شده باشد، هفت درهم، هر چهار درخت خرما، یک درهم، هر شش درخت نخل آرامی، یک درهم، هر شش درخت زیتون، یک درهم و همه این خراج‌ها سالیانه بود. خلاصه سایر محصولات از جمله درختان میوه، بوته پنبه از خراج معاف بود.

این اصلاح برای خزانه مزایای بسیار داشت. بدین‌گونه وصول خراج از آن پس به صورت پول نقد بود. محصولاتی مانند گندم، جو و برنج که اساس خوراک مردم بود، حداقل خراج را می‌پرداخت. در صورتی که بر محصولاتی دیگر مثل میوه‌های درخت انگور و زیتون که بهره‌وری و بازده بیشتری داشت، یا بر محصولاتی مثل یونجه که به جای علوفه به کار می‌رفت و سالیانه چند بار حاصل می‌شد، حداکثر خراج بسته شده بود. درباره دیگر درختان میوه که ارزش غذایی

بالایی دارد باید بگوییم که از هرگونه خراج معاف بوده است و مواد خوراکی دیگر، مثل گوشت، روغن و همه محصول‌های زمین یا ملک اجاره‌ای از عفو مطلق برخوردار بوده است (مظاهری، ۱۳۷۷: ۲۶۹). پادشاهان دوره ساسانی برای اینکه عمال و مأموران دریافت خراج بر مردم ظلم و احجاف نکنند، ناظرانی بر آن‌ها می‌گماشتند. براساس کتاب توقیعات کسری انوشیروان ناظر عمال فارس خبر می‌دهد که عامل اهواز بیش از حد از مردم خراج دریافت نموده است. خسرو انوشیروان چنین دستور می‌دهد:

تمامی اموال مذکوره را از خزائن خاص بسائر محال مزبوره نقل نموده، بی حیف و میل (بی کم و کاست) بر خداوندان (صاحبان آن‌ها) از فقیر و غنی و ضعیف و قوی رد نمایند (پس دهند) چه (زیرا که) توفیر (پرکردن) خزائن به اموال رعایا بر موجب ناووجب (از راه نادرست و ظلم) به منزله اندودن بام منازل است به خاک و کندن اساس چاردیوار آن‌ها (توقیعات کسری انوشیروان، ۱۳۴۴: ۲۱).

فردوسی نیز در این زمینه بیان کرده است:

چنین گفست موبد که ای شهریار قراخان بیدار سیصد هزار
درم بستند از بلخ نامی برنج سپرد و نهادیم یکسر
بگنج
چنین داد پاسخ که ما را درم نباید که گردد کسی زو
دژم
از آنکس که بستند همورادهید دگر نیزش از گنج بر سر
نهدید
که درد دل مردم زی‌ردست نخواهد جهاندار یزدان
پرست
پی کاخ آباد او برکنید بگل بام او را توانگر کنید
شود کاخ ویران ورا رنج سود بماند پس از رنج نفرین و دود
ز دیوان ما نام او بستید بدر برچونو کس بکس مشمرید
(فردوسی، ۱۳۶۹: ۵۵).

فرار خانواده‌های کشاورز از اراضی پادشاه موجب می‌شد که اراضی مذکور غیرمسکون شده و عوایدی هم که می

کشورهای غربی، به ویژه در کلیساها به دست آمده است (مشکور، ۱۳۷۸: ۶۸).

اوایل سده‌های میانه، خوزستان یکی از مراکز بزرگ بافندگی ایران بود. خوزستان در جنوب سرزمین ماد و جنوب شرقی بین النهرین قرار دارد. رود کارون با شاخه‌های متعدد از این سرزمین می‌گذرد. خوزستان در آن روزگار با شبکه‌های وسیع آبیاری، سرزمینی حاصلخیز بود. به سبب وجود نیشکر، یکی از محصولات عمده خوزستان، شکر و قند پارسی بود. شوشتر و اهواز دو شهر عمده خوزستان بودند. این دو شهر در آن روزگار مراکز عمده صنایع نساجی خوزستان به شمار می‌رفتند (پیگولوسکایا، ۱۳۷۷: ۳۲۳).

تولید قالی در آن دوره پیشرفت زیادی داشته است. نمونه عالی آن، فرش معروف بهارستان در طاق کسری در تیسفون پایتخت ساسانیان بود. مولف تاریخ بلعمی در مورد این قالی گفته است:

اندر خزینه، فرش بساطی بود دیبا سبید رش بالا اندر شست رش پهنا و آن را زمستانی خواندندی و ملکان عجم آن را باز کردند و بدان نشستندی بدان وقت که اندر جهان سبزی و شکوفه نماندی و بر لب‌های آن برکرانه گرداگرد به زمرد بافته بود و هر ده ارش از آن به گوهر یا گوهرهای دیگر بافته، ده ارش به زمرد سبز و ده ارش به گوهر سفید و ده ارش به یاقوت سرخ و ده ارش به یاقوت کبود و ده ارش به یاقوت زرد، چنان که هر که اندر آن بنگریستی، پنداشتی کشته زاری است و اندر آن همه گوهرها نشانده به رنگ هر چه اندر جهان اسپرغمی است و شکوفه، چنان که چون بدو نگریستی پنداشتی که همه شکوفه است (بلعمی، ۱۳۵۳: ۱۰۳۸).

خانواده‌هایی که در تولید صنعتی مشغول بودند، در پر کردن خزانه دولتی سهم موثری داشتند. آن‌ها کالاهای گوناگون را به شهرهای مختلف می‌بردند و به فروش می‌رساندند. هنگام صدور کالا نیز باج و عوارض می‌پرداختند. بنابراین بخش عمده درآمد خزانه دولت ساسانیان، به صورت مالیات از کشاورزان، صنعتگران، بافندگان، تجار و گرفتن

بایست به خزانه وصول شود، رو به تقلیل برود. همین امر موجبات نگرانی و ناراحتی حکومت مرکزی را فراهم ساخته بود (دیاکونف، ۱۳۸۲: ۳۱۶). طبری در ضمن بیان دوران سلطنت و لاش چنین گفته است:

همین که او می‌شنید خانه‌ای متروک مانده و ساکنین آن نقطه را ترک کرده‌اند، فوراً ارباب‌دهی که خانه مذکور در آنجا قرار داشت مورد تنبیه و مجازات واقع می‌شد که چرا مواظب و مراقب آنان نبوده و احتیاجاتشان را بر نیاورده که مجبور شوند خانه خویش را ترک گویند (طبری، ۱۳۷۵: ۶۳۷).

از دیگر منابع درآمد و عایدات در زمان ساسانی، گرفتن باج شخصی به طور سرانه بود. بدین ترتیب همه کسانی که ۲۰ تا ۵۰ سال داشتند موظف بودند به دولت مالیات بپردازند (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۵۷: ۳۵۸). قبل از خسرو انوشیروان در پرداخت عوارض سرانه، به استطاعت و توانایی شهروندان توجهی نمی‌شد و بدین صورت بیدادگری‌های سخت و سنگین صورت می‌گرفت، اما از دوره خسرو انوشیروان به موجب قانون جدید، سن و وضع درآمد هر کسی در نظر گرفته شد. کسانی که چندان ثروتی نداشتند، هر سه ماه، یک درهم می‌پرداختند و کسانی که ثروتی بیشتر داشتند، سه درهم می‌دادند (مظاهری، ۱۳۷۷: ۲۷۲).

بنابراین میزان پرداخت باج سرانه بستگی به دخل و درآمد و ثروت اشخاص داشت. باج سرانه یا شخصی را در اول هر سال تعیین می‌کردند و مأموران وصول این مالیات به بهترین روش که ممکن بود تعرفه مالیاتی را در میان مؤدیان مالیاتی توزیع می‌کردند (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۵۷: ۳۵۸).

تولید پارچه در زمان ساسانی توسط خانواده‌های بافنده پیشرفت جالب توجهی کرد و کارگاه‌های نساجی در نقاط مختلف دایر گردید. مرغوبیت آن‌ها باعث جلب توجه مشتریان زیادی در خارج از ایران شد. چنان که نمونه‌هایی از پارچه‌های بافت ایران با طرح‌های زیبایی که داشته در ختن و

باح شخصی از طریق خانواده‌ها به دست می‌آمد (فرای، ۱۳۷۳: ۲۱۲). پا به پای توسعه اقتصادی، طبقه کشاورز و پیشه‌ور متخصص می‌شدند و به شکل صنف‌های بزرگ گرد هم می‌آمدند. این صنف‌ها بیشتر از آنکه جنبه اجتماعی داشته باشند، جنبه اقتصادی داشتند؛ به ویژه با نظامی مطابقت داشتند که به منظور تولید سازمان یافته بود. روابط فرد با این صنف‌ها بسیار نزدیک و دوستانه بود. به خصوص که سازمان صنف‌ها اندکی به سازمان خانواده مشابهت داشت. خانواده روستایی یعنی همان خانواده دهقان، در زمان قدیم مهم‌ترین نمونه و گروهی بود که در آفرینش ثروت نقشی گرانبها و گرانمایه داشت. رئیس خانواده در صورتی می‌توانست در زمینه تولید، بازدهی بسیار داشته باشد که از دستیاری خویشان و نزدیکان که بی‌انقطاع کار می‌کردند و مایه تغذیه و نگهداری گروه را از خاک در می‌آوردند، برخوردار باشد (مظاهری، ۱۳۷۷: ۲۷۶).

یکی دیگر از تأثیراتی که اقتصاد خانواده بر کل اقتصاد دوره ساسانی بر جای گذاشت، مسئله خویشکاری یا انتقال و آموزش شغل پدر به پسر بود. فرزند از هفت سالگی به شغل پدر یا به آن شغلی که پدر می‌خواست تربیت می‌شد (مهرین، ۱۳۴۹: ۱۴۲). این همان سنی است که در عصر ما بچه‌ها به دبستان می‌روند و آموزش و پرورش رسمی شروع می‌شود. حرفه‌ای که همیشه حرفه نیاکان است، به اهتمام پدر به بچه آموخته می‌شد و پدر برای رسیدن به این منظور، هر روز بچه را به کارگاهی می‌برد که خود در آن کار می‌کرد. ایرانیان به پیشگه‌هایی تقسیم می‌شدند و این تقسیمات گاه با طبقه اجتماعی و گاهی با صنف مطابقت می‌کرد، اما در واقع این گروه‌ها، طبقاتی هستند که میانشان سدهایی محکم وجود داشت. این سدها، گروه‌های گوناگون اجتماع را که هر یک صنفی تشکیل می‌دادند از هم جدا می‌کرد. پس ایرانی، از لحاظ مدنی این وظیفه را داشت که شغل خویش یا پیشه

خویش را به فرزند خود انتقال دهد (مظاهری، ۱۳۷۷: ۱۹۹). براساس نامه تنسر «و پادشاه از آن منع کرد که یکی از ایشان (صاحبان مشاغل) به غیر صنعتی که خدای جل جلاله بر آن آفریده باشد، مشغول شود» (نامه تنسر، ۱۳۵۴: ۵۸). طبق روایات داراب هرمزدیار «و بر پدر فریضه (واجب) است که چون کودک بزرگ شود از کرفه و گناه آگاه کنند و چون بالغ شود کاری و صنعتی بیاورد آموختن که در اصلش بوده باشد، آلا جوانی و شرطگی که اگر جز این باشد، کاری پیشه دیگر بیاورد آموختن» (روایات داراب هرمزدیار، ۱۹۹۲: ۱۷۰). یکی از پنجاهای خسرو انوشیروان به آیندگان این است که فرزند خود را پیشه آموزید (مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۱۹). تغییر طبقه و پیشه و عبور از طبقه پایین به بالا بسیار سخت بود؛ ولی ناممکن نبود. براساس نامه تنسر، اگر فرزندی از طبقه پایین تمایل داشت وارد طبقه و پیشه بالاتر شود، در مجمعی با حضور شاهنشاه، موبدان و بزرگان از وی امتحان به عمل می‌آمد و در صورتی که لیاقت و شایستگی از خود نشان می‌داد، به وی اجازه داده می‌شد وارد طبقه بالاتر شود (نامه تنسر، ۱۳۵۷: ۵۴). با این وجود، این مسئله به سختی انجام می‌گرفت؛ چراکه مجوز اصلی را شاهنشاه ایران صادر می‌کرد. بنابراین هر کسی به شغل نیاکان خود ادامه می‌داد. کشاورز راه کشت زمین را به پسرانش یاد می‌داد، پیشه‌ور پسرانش را کارگران و صنعتگرانی خوب و آموزده به بار می‌آورد، دبیر به فرزند خویش راه دبیری و نویسندگی یاد می‌داد، روحانی به فرزندش علم دین می‌آموخت و سرباز و ارتشی جانشین خود را برای زندگی نظامی پرورش می‌داد. بنابراین اهل هر پیشه‌ای به فرزندان خود حرفه و پیشه خود را می‌آموخت. استمرار کارهای صنعتی و غیر صنعتی که از پدر به ارث می‌رسید، موجب شده بود که مهارت و استادی در آن حرفه بیشتر شود و به همان نسبت هم شیوه تولید زیاده‌تر می‌شد و نتیجه آن

آوازه ایران که هنوز هم دارای شهرت زیادی است، محصول کارگاه های زنان ایرانی است. رونق همه این صنایع، زاده ذوق لطیف و ظریف دربار و طبقه اعیان و اشراف است. نمونه ها، طرح ها و نقش ها در کارخانه های شاهنشاهی تسیفون نگه داشته می شد. در این کارخانه ها، کربدها، کارآزموده ترین و چیره دست ترین کارگران را رهبری می کردند. با این همه ایران نیکوترین محصولات خود را مدیون کارگاه خانوادگی است و آنچه در نزد ایرانی منشأ مهارت، سلامت، ذوق و کمال کار است، تجربه باستانی و به زبان دیگر برخورداری از تجربه نیاکان است. این تجربه زاده پیروی حرفه پدران است. خانواده چه روستایی و چه شهرنشین باشد، نقش اساسی در اقتصاد ملی بازی می کند. این نقش بیش از همه چیز، از این لحاظ اهمیت دارد که گروه خانوادگی در کشور، مرکز اصلی تولید است و صنفاها و گروه های دیگر اقتصادی رفته رفته بر مبنای نمونه خانوادگی توسعه یافتند (مظاهری، ۱۳۷۷: ۲۱۵).

۵. نتیجه گیری

در دوره ساسانی قلمرو ایران بسیار توسعه یافت و مرزهای ایران به دوره هخامنشی نزدیک شد. شاهان ساسانی موفق شدند سرزمین های جدید و ثروتمندی مانند بین النهرین و ارمنستان را به زیر سلطه خود درآورند و درآمد زیادی از طریق مالیات و باج سرانه از این کشورها به طرف ایران سرازیر کنند. یکی دیگر از مواردی که به توسعه اقتصاد دوره ساسانی کمک نمود، استفاده از اسرای جنگی در اقتصاد و آبادی کشور بود. به طوری که بسیاری از شهرها، پل ها و بندها در این دوره توسط اسرای جنگی ساخته شد و مشاغل مختلفی همچون بافندگی توسط آنها رونق یافت.

نهاد خانواده به عنوان یکی از نهادهای دوره ساسانی، نقش مهمی در پیشبرد و توسعه اقتصاد بر عهده داشت. با توجه به اینکه نهاد خانواده در این زمان هم تولیدکننده و هم مصرف

توسعه و رونق بیشتر اقتصاد کشور بود. در کتاب مینوی خرد در این زمینه می خوانیم:

وظیفه صنعتگران و پیشه وران این است که آن کاری را که ندانند دست بدان نبرند و آنچه دانند خوب و با دقت انجام دهند و مزد عادلانه خواهند چه {زیرا} کسی که کاری را نداند و به انجام آن دست زند، ممکن است آن کار تباه شود یا ناکرده بر جای ماند و حتی اگر آن مردی را که کار از آن اوست بسیار خشنود کند، با این همه آن گناه (گناه خراب کردن کار) بر ذمه او باشد (مینوی خرد، ۱۳۸۵: ۴۹).

نامه تنسر نیز هدف از (خویشکاری) یا پرداختن پسران به شغل پدران را چنین ذکر می نماید:

تا بدانی که آنچه شهنشاه فرمود، از مشغول گردانیدن مردمان به کارهای خویش و بازداشتن از کارهای دیگران، قوام عالم و نظام کار عالمیان است. با آنکه چنین قرار داد، بر هر یک [از اصناف و طبقات] رئیسی بر پای کرد و بعد رئیس عارض ها تا ایشان را شمرده دارد و بعد [از] او مفتشی امین تا تفتیش دغل ایشان کند و معلمی دیگر تا از کودکی باز هر یک را به حرفت و عمل او تعلیم دهد (نامه تنسر، ۱۳۵۴: ۶۰).

بنابراین در اقتصاد خانواده، پدر در کارگاه کار می کرد و پسرها که شاگرد و کارآموز بودند آماده می شدند تا به زودی مخارج زندگی شان را درآورند. زنان نیز از مادر گرفته تا دختران، به نخریسی، پارچه بافی و کشفافی می پرداختند و به حسب اقتصاد منطقه، پنبه، ابریشم یا پشم به کار می بردند. کشت پنبه بسیار زود به ایران آمده است؛ چراکه خاک در همه جا مناسب کشت بود. پوست کنی قوزه های پنبه برای جدا کردن الیاف آن، در همه جا کارگران زیاد و بردباری را که اغلب زن بودند سرگرم می کرد. رشتن این الیاف با چغفرک که نوعی چرخ نخریسی است و در همه خانه ها پیدا می شد، به دست زنان صورت می گرفت. بافندگی در کارگاه های بزرگ انجام می شد. بازار پنبه بازاری ملی بود. پیراهن مقدس یا سدره به حسب معمول پنبه ای بود. پرورش کرم ابریشم نیز از زمان بسیار قدیم در ایران رواج یافته است. فرش های بلند

- دیاکونف، میخائیل میخائیلوویچ، تاریخ ایران باستان، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.

- سرافراز، علی‌اکبر و بهمن فیروزمندی، مجموعه دروس باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی ماد هخامنشی اشکانی، ساسانی، تهران: مارلیک، ۱۳۵۷.

- شیپ‌مان، کلاوس، تاریخ شاهنشاهی ساسانی، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۳.

- صد در ثر، تصحیح و ترجمه ادوارد بامانچی نساوانچی، هندوستان: پارسی، ۱۹۰۹م.

- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوك، ترجمه ابوالقاسم پابنده، تهران: اساطیر، ۱۳۷۵.

- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹.

- کریستن‌سن، آرتو، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۲.

- گفتاری درباره ماتیکان هزار داتستان، ترجمه موبد رستم شهزادی، تهران: فروهر، ۱۳۸۶.

- گیرشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲.

- محمد بن بلعمی، ابوعلی، تاریخ بلعمی، ترجمه تاریخ طبری، به تصحیح محمدتقی بهار، ج ۲، تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۵۳.

- مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوائی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱.

- مشکور، محمد جواد، نامه باستان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۸.

- مظاهری، علی‌اکبر، خانواده ایرانی در روزگار پیش از اسلام، ترجمه عبدالله توکل، تهران: قطره، ۱۳۷۷.

- مهرین شوشتری، عباس، کشورداری و جامعه ایران در زمان ساسانیان، تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطائی، ۱۳۴۹.

- مینوی خرد، ترجمه احمد تفضلی، تهران: توس، ۱۳۸۵.

- نامه‌تسر، به تصحیح مجتبی مینوی، تهران: خوارزمی، ۱۳۷۸.

- نلسون فرای، ریچارد، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.

- هرتسفلد، ارنست، تاریخ باستانی ایران بر بنیاد باستان‌شناسی، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۴.

- هرمزدیار، داراب، روایات داراب هرمزدیار، تصحیح ارواد مانکجی رستمجی، بمبئی: ایندیا، ۱۹۹۲م.

- یارشاطر، احسان و دیگران، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه حسن انوشه، ج ۳، قسمت دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷.

کننده بود، بخش عمده محصولات کشاورزی توسط اعضای خانواده تولید می‌شد. همچنین اکثر اعضای خانواده در مشاغل و صنایع مختلف همچون بافندگی، قالی‌بافی و ساخت ابزار گوناگون مشغول به کار بودند و در توسعه این مشاغل نقش عمده داشتند. سالیانه مبالغ هنگفتی به صورت مالیات و باج سرانه توسط اعضای خانواده‌ها به دولت پرداخت می‌شد که نتیجه آن انباشت سرمایه در خزانه و توسعه عمران و آبادی کشور بود. یکی از قوانین مهم دوره ساسانی مسئله خویشکامی یعنی انجام شغل نیاکان توسط اعضای خانواده بود. فرزندان از کودکی به همراه پدران خود به کار می‌پرداختند و پدر، شغل و حرفه خود را که از نیاکان خویش به ارث برده بود، به آن‌ها می‌آموخت. بدین صورت خانواده باعث تخصصی شدن حرفه شده و نتیجه آن بهره‌وری بهتر تولیدات و صنایع بود.

کتابنامه

- ابن‌اثیر، عزالدین، تاریخ کامل، ترجمه حسین روحانی، تهران: اساطیر، ۱۳۷۴.

- احمدی، اشرف، قانون و دادگستری در شاهنشاهی ایران باستان، تهران: وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۶۴.

- اوستا، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه، تهران: مروارید، ۱۳۸۵.

- ایلیا گرشویچ و دیگران، تاریخ ایران دوره هخامنشیان، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: جام، ۱۳۸۵.

- بارتلمه، کریستیان، زن در حقوق ساسانی، ترجمه ناصرالدین صاحب الزمانی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی، ۱۳۷۷.

- پیگولوسکایا، نینا، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.

- تشکری، عباس، ایران به روایت چین باستان، تهران: مؤسسه روابط بین‌المللی، ۱۳۴۶.

- توقیعات کسری انوشیروان، به اهتمام حسین نخجوانی، تبریز: مطبعه شفق، ۱۳۳۴.

- جنیدی، فریدون، حقوق بشر در جهان امروز و حقوق جهان در ایران باستان، تهران: بلخ، ۱۳۷۸.

- دریایی، تورج، شاهنشاهی ساسانی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس، ۱۳۸۶.

- **DadestaniDenig**, translated by E.W.West, Oxford University Press, 1882.
- **Denkard**, translated by E.W.West, Oxford University, Book of8, 1897.
- **MadiganiHazarDadistan**, translated by AnahitPerikhanian, Columbia University Newyork, Mazda Publisher, 1997.